



## The Position and Place of the Clergy in Montazer Community

Reza Isania<sup>1</sup>

Received: 21/12/2020

Accepted: 30/12/2020

### Abstract

The clergy, as the greatest and strongest social force in the waiting community, must play a vital role. Because the clergy claims that he wants to be in harmony with Montazar community (Imam Mahdi community) in Montazer (the community waiting for Imam Mahdi) community based on four causes (actual, formal, material, ultimate). However, in the montazer community, in each of the four causes, a kind of inadequacy, incompatibility, and even crises can be seen in comparison with the montazar community. In this regard, the question is how to prepare montazer community for montazar community. Among these, the actual cause (i.e., the clergy) is more sensitive than the other four causes, since the "presence or absence of the clergy" or their struggle for survival is no longer defined and given meaning. Rather, the problem is to have a more effective and efficient presence for realization and preparation of montazar community. Therefore, the main question is: what is the strategy of the clergy with its existing role and base? To get the answer, the author carries out the study using the SWOT method and with the hypothesis that the clergy is in the WT or defensive position instead of the SO or offensive position. Therefore, in order for the montazer to be realized, the clergy must move towards offensive strategy with full intelligence.

### Keywords

The Clergy, the waiting community, role, base, Mahdiyyism.

---

1 . Assistant Professor and Faculty Member of Islamic Sciences and Culture Academy, Research Center for Political Sciences and Thought, Qom, Iran. r.eisania@isca.ac.ir.

---

\* Isania, R. (2020). The Position and Place of the Clergy in Montazer Community. *The Quarterly Journal of Mahdavi Society*, 1 (2), pp. 139-161. Doi: 10.22081/jm.2020.59672.1020

---

## موقعیت و جایگاه روحانیت در جامعه منتظر

رضا عیسی‌نیا<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۰۱

### چکیده

روحانیت به‌عنوان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین نیروی اجتماعی در جامعه منتظر، باید نقشی حیاتی ایفا کند؛ چراکه مدعی است در جامعه منتظر بر پایه علل چهارگانه (فاعلی، صوری، مادی، غایی) می‌خواهد با جامعه منتظر، هم‌سویی و هم‌سنخی داشته باشد؛ ولی در جامعه منتظر در هر یک از علل چهارگانه، نوعی نارسایی، ناسازگاری و حتی بحران‌هایی در مقایسه با جامعه منتظر مشاهده می‌شود. بر این اساس، مسئله عبارت است از: چگونگی مهیاسازی جامعه منتظر برای جامعه منتظر. در این میان، علت فاعلی (یعنی روحانیت) از دیگر علت‌های چهارگانه حساس‌تر است؛ زیرا دیگر «بودن یا نبودن روحانیت» یا تلاش آنان برای بقا و ماندن خود، تعریف و معنابخشی نمی‌شود؛ بلکه مسئله، بودن مؤثرتر و کارسازتر برای مهیاسازی و تحقق جامعه منتظر می‌باشد؛ بنابراین، سؤال اصلی چنین است: روحانیت با نقش و جایگاه موجود، کدام استراتژی را به خود اختصاص داده است؟ نویسنده برای دست‌یابی به پاسخ، مقاله را با روش سوات SWOT و با این فرضیه دنبال کرده که روحانیت به جای این‌که در موقعیت SO یا تهاجمی قرار بگیرد، در موقعیت WT یا تدافعی قرار دارد؛ لذا برای تحقق جامعه منتظر باید با هوشمندی تمام به سوی استراتژی تهاجمی حرکت کند.

### کلیدواژه‌ها

روحانیت، جامعه منتظر، نقش، جایگاه، مهدویت.

۱. استادیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، پژوهشکده علوم و اندیشه سیاسی، قم، ایران.

r.eisania@isca.ac.ir

## مقدمه

نقش‌ها، با پایگاه پیوند دارند پایگاه (status) را معمولاً به‌عنوان رتبه یا موقعیت شخص در گروه، یا یک گروه در رابطه با گروه‌های دیگر تعریف می‌کنند و نقش (Role) رفتار مورد انتظار از کسی است که صاحب یک پایگاه ویژه است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). نقش روحانیت به معنای برآوردن انتظارات اعضای گروهی اجتماعی یا چگونگی عمل کردن به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی است؛ البته اگر ما نقش را به چگونگی عمل به قواعد و هنجارها در یک موقعیت اجتماعی تعریف کنیم.

حال که می‌خواهیم نقش اجتماعی روحانیت را در تحقق جامعه منتظر به دست آوریم که در چه وضعیتی قرار دارد، نیازمندیم که قواعد و هنجارهای موقعیت اجتماعی آن‌ها را بیابیم؛ اما قبل از هر چیز باید دو مفهوم روشن شوند: «منتظر» یعنی فردی که کسی یا عده‌ای، آمدن او را به راه نشسته‌اند و «منتظر» به معنای کسی که انتظار آمدن کسی دیگر را دارد. این‌جا این بحث پیش می‌آید که جامعه منتظر در چه نوع جامعه و با چه گستره‌ای می‌خواهد مورد بحث قرار گیرد؟ برای یافتن پاسخ، لازم است معلوم شود نقش روحانیت در کدام جامعه را بررسی می‌کنیم؛ آیا نقش روحانیت در جامعه سنتی و با رویکرد روحانیت سنتی دنبال می‌شود یا در جامعه مدرن و جدید با رویکرد روحانیت فقه‌ای-سیاسی؟ همچنین آیا به نقش روحانیت در دوران نهضت می‌پردازیم یا به نقش روحانیت در دوران استقرار یا روحانیت دارنده حکومت و دولت؟

جامعه منتظر، جامعه‌ای نیست که فقط در زمانه ما به آن توجه شده باشد یا این که فقط به جامعه دوران ما جامعه منتظر گفته شود که برای چنین جامعه‌ای، فقها یا روحانیان در همه سطوح نقش آفرینی داشته‌باشند بلکه جامعه بعد از غیبت کبری، همه مردم متدین و بویژه متولیان دین در انتظار منتقم و برپاکننده عدل و داد بوده‌اند؛ اما لازم و ضروری است که به این نکته، توجه جدی شود که: به نظر می‌رسد دامنه و عمق رسالت روحانیت در جامعه منتظر به‌خصوص در دوران انقلاب اسلامی ایران، به افراد و حداکثر به جریان‌ات اسلامی معطوف و منجر می‌شده است؛ ولی در دورانی که نهضت به نهاد تبدیل شده و نظام اسلامی و دولت اسلامی تحقق یافته است، رسالت روحانیت جامعه

منتظر علاوه بر افراد و جریانات سیاسی اسلامی، دولت‌های اسلامی را نیز شامل می‌شود؛ دولت‌هایی که سیاست‌های کلان‌شان، تحقق جامعه اسلامی و تمدن اسلامی، با برقراری عدالت اجتماعی و رفاه عمومی با عنایت به نیازهای مادی و معنوی مردم و رشد آن‌ها است؛ از این رو روحانیت وظایف و رسالت سنگین‌تری را برای مهیاسازی جامعه منتظر به عهده دارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، روحانیت به‌عنوان یک گروه منسجم یا یک طبقه منسجم در تاریخ معاصر از امتیازات خاصی برخوردار است؛ همانند: نظارت بر قانون‌گذاری در قالب شورای نگهبان، نظارت و کشف رهبری در قالب مجلس خبرگان رهبری و نظارت بر زندگی عمومی مردم. بنابراین ما که با انقلاب اسلامی مدعی هستیم به‌سوی دولت کریمه گام برداشته‌ایم باید شرایط آن را نیز تعقیب کنیم؛ شرایطی که در تعبیر رهبر معظم انقلاب این‌گونه آمده است:

دولت کریمه شرایطی دارد. البته ما از اول انقلاب تا کنون همواره خواسته‌ایم دولت‌ها را دولت کریمه بنامیم. یکی از آرزوهای ما این است و بنده آن را دوست می‌دارم. شما هم دولت عزیز و دولت انقلابی؛ اما حقیقت قضیه این است که دولت کریمه شرایطی دارد. دولت کریمه، دولتی است که عزیز و سربلند و دارای اعتقاد راسخ به آن راهی است که قانون اساسی و وظایف و سیاست‌های نظام در مقابل او گذاشته است (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۶/۰۵). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در جای دیگر در باب وظایف دولت اسلامی می‌فرماید:

ویژگی و وظیفه دیگر دولت اسلامی، تکامل معنوی و تقسیم خیرات میان مردم و ایجاد رفاه عمومی و رفع فقر و محرومیت است (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷).

خلاصه کلام این که نقش و رسالت روحانیت در دوران قبل که به دوران نهضت معروف بود با امروزه که دوران حکومت اسلامی است متفاوت می‌باشد؛ لذا روحانیت باید در این وسعت به نقش‌آفرینی خود اقدام کند. اکنون سؤال این است که آیا روحانیت یا به عبارت بهتر، نهاد آموزشی حوزه، مبتنی بر نیازهای جامعه منتظر به تربیت نیروهای لازم اقدام کرده است؟ سخن آیت‌الله مقتدایی در پاسخ به این سؤال این چنین است:

حوزه علمیه‌ای که داعیه‌دار برنامه‌ریزی جهان اسلام است، باید خودش را با تغییرات

– چه از نظر تربیت نیروی انسانی و چه از نظر محتوای علمی – تطبیق دهد. اگر حوزه بخواهد پاسخ‌گوی مطالبات نظام باشد، باید مطابق با نیازها و تحولات جامعه، برنامه‌ریزی کند و دیگر نمی‌تواند مثل سابق، نیروهایی را تربیت کند که فقط مسائل نماز و روزه و احکام عبادی و فردی را برای مردم بیان کنند؛ بلکه امروز حوزه‌ها متصدی و متکفل برنامه‌ریزی کلان برای مدیریت کشور براساس موازین اسلام هستند (مقتدایی، ۱۳۸۷، ش ۱، ص ۲۲).

از آن‌جا که عواملی بر نقش‌آفرینی کارگزاران یا علت‌فاعلی (روحانیت) تاثیر گذارند که در صورت اطلاع از آن، بهتر می‌توان به نقش‌آفرینی این نیروی عظیم اجتماعی در جامعه منتظر پرداخت، نقش روحانیت در جامعه منتظر را براساس سه عامل از عوامل پنجگانه<sup>۱</sup> شکل‌گیری پایگاه و نقش روحانیت می‌توان پی‌گرفت: ۱. شخصیت فردی یا ویژگی‌های شخصیتی و اوصاف روحانیت؛ ۲. انتظارات جامعه از صاحب‌نقش؛ ۳. تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی‌ای که در جامعه یا جوامع به وقوع پیوسته است.

با عنایت به مطالب فوق، هدف از پژوهش «موقعیت و جایگاه روحانیت در جامعه منتظر» در این مقاله تعیین استراتژی یا استراتژی‌های مناسب برای سازمان روحانیت در سامان‌دهی زندگی اجتماعی و سیاسی مردم در دوران انتظار (جامعه منتظران)، آن‌هم در جامعه‌ای است که دارای نظام سیاسی می‌باشد. سؤال اصلی این است که روحانیت با نقش و پایگاه موجود، کدام استراتژی را برای تحقق جامعه منتظر به خود اختصاص داده است؟ نویسنده برای دست‌یابی به پاسخ، مقاله را با روش سوات SWOT و با این فرضیه دنبال کرده که روحانیت به جای این‌که در موقعیت SO یا تهاجمی قرار بگیرد، در موقعیت WT یا تدافعی قرار دارد؛ لذا اگر می‌خواهد جامعه منتظر مطلوب، تحقق یابد، باید با هوشمندی تمام به سوی استراتژی تهاجمی یا SO حرکت کند. برای اثبات این فرضیه دو محور «جامعه منتظر و ویژگی‌های آن» و «نقش و پایگاه

۱. این عوامل عبارتند از: ۱. شخصیت یا ویژگی‌های شخصیتی فرد؛ ۲. شغل؛ ۳. ثروت؛ ۴. قدرت؛ ۵. میزان بهره‌مندی از ارزش‌های انسانی و اخلاقی و پایبندی به ارزش‌های دینی؛ ۶. تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی.

روحانیت در جامعه منتظر موجود» را دنبال خواهیم کرد.

البته یادآوری این نکته نیز لازم و ضروری است که چنین تحقیقی دارای پیشینه‌ای نبوده است؛ یعنی منبعی وجود ندارد که به این ترکیب یعنی نقش روحانیت در جامعه منتظر با روش سوات (SWOT) پرداخته باشد. روش سوات (SWOT) برگرفته از چهار حرف اول از چهار کلمه انگلیسی (Strengths+Weaknesses+Opportunities+Threats) به ترتیب قوت‌ها، ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدها است. این روش یکی از روش‌های ۲۹ گانه آینده‌پژوهشی است که به تحلیل شرایط درونی و برونی جامعه منتظر می‌پردازد. بر این اساس، به نقش‌آفرینی روحانیت در تحقق جامعه منتظر به‌عنوان یک جامعه تحت رهبری روحانیت در مقطع جمهوری اسلامی ایران، موارد زیر به تحلیل گذاشته شده است:

- عوامل داخلی یا قوت‌ها و ضعف‌های درون‌سیستمی روحانیت در جامعه منتظر؛
- عوامل خارجی یا فرصت‌ها و تهدیدهای برون‌سیستمی.

### ۱. جامعه منتظر (مرجع، مطلوب و مورد نظر)

نویسنده مقاله؛ برای رعایت اختصار، در این محور فقط به رسیده‌های خود اکتفا و از نقل و نقد اقوال دیگر پرهیز کرده است؛ لذا به ذکر مختصات و ویژگی‌های جامعه منتظر در قالب مطالب زیر بسنده می‌کند که: اولاً چنین روزگاری و چنین جامعه‌ای حتماً پیش خواهد آمد؛ چرا که وعده و پیمان خدا است و خداوند پیمان‌شکن نیست. حضرت رسول ﷺ می‌فرماید: مهدی خواهد آمد و اموال را برابر تقسیم خواهد کرد، و خداوند بی‌نیازی و غنا را در دل‌های این امت پدید خواهد آورد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۸۴). ثانیاً جامعه منتظر یا جامعه‌ای که امام زمان علیه السلام در آن ظهور می‌کند دارای چنین ویژگی‌هایی است.

زمانی که مهدی قیام کند، در جهان، کافری نخواهد ماند (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۷).

بر روی زمین، نقطه‌ای نخواهد ماند که در آن، خدا پرستش نشود (بت‌خانه‌ها به

مراکز عبادت خداوند تبدیل می‌شوند) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱، ص ۶۶).

عصر حضرت، عصری می‌شود که جامعه اسلامی به عبادات و شریعت و دیانت روی آور می‌شوند و نمازها را به جماعت برگزار می‌کنند (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، ص ۴۷۷).

عقول انسان رشد و کمال پیدا می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۲، ص ۳۲۸).

در ترسیم فضای آن عصر گفته شده است که به انسان‌های زمان حضرت صاحب‌الزمان عجل‌الله‌تعالی‌فی‌فرجه‌الکبری آن قدر علم و معرفت داده می‌شود که به سقف علم می‌رسند؛ یعنی تمام مراتب علم را کسب می‌کنند و به کل حقایق معرفت می‌یابند (مجلسی، ۱۴۳۰، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

در باب امنیت و گستره آن در زمان ولی عصر علیه‌السلام روایات زیادی ذکر شده است (مجلسی، ج ۵۲، صص ۳۱۶، ۳۳۸، ۳۸۴) که برای نمونه به این روایت اکتفا می‌کنیم:

به قدری امنیت حاکم می‌شود که پیرزن ضعیف ناتوان از شرق عالم خارج می‌شود و می‌خواهد به غرب عالم سفر کند و هیچ کس مانعش نمی‌شود (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۵).

در میان عموم مردم، همیاری و مواسات برقرار می‌شود (مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۸۵).

همه ساکنان آسمان و زمین به خلافت و حکومت حضرت مهدی راضی می‌شوند (مجلسی، ج ۵۱، ص ۹۱).

### ۱-۱. نقش و پایگاه روحانیت در جامعه منتظر موجود

روحانیت و حوزه علمیه، قاعده انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران می‌باشد و از آن‌جا که همه چیز روی این قاعده بنا شده، دوام و بقایش نیز متوقف بر این قاعده است.

اما چرا قاعده این نظام، حوزه و روحانیت است؟ چون انقلابی که در ایران اسلامی اتفاق افتاد، بر دو بال قرمز «عاشورا» و بال سبز «انتظار» (بلخاری، ۱۳۷۸، صص ۹۳-۹۴) استوار بوده است. این روحانیت بود که بال عاشورایی را این‌گونه به پرواز کشاند و «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را تحقق بخشید که فهماند که نباید به سبب کمی قدرت و کاستی ابزار مبارزه، به گریه و ظلم‌پذیری دست یازید؛ بلکه باید بینیم که کربلا چه صحنه‌ای بوده است؟ هر روز این صحنه باید باشد؛ یعنی صحنه مقابله اسلام و کفر، مقابله عدل و ظلم، مقابله عدد کم با ایمان زیاد در مقابل عدد زیاد بی‌ایمان؛ یعنی نه از

جمعیت کم بترسید و نه از شکست بترسید؛ [چراکه] وقتی کار برای خدا باشد، در آن شکست نیست و شکست معنا نمی‌یابد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۹).

اگر الهام‌گیری از این قیام جان‌خراش، ولی پردرس نبود، هرگز قیامی از این دست رخ نمی‌داد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۹۰).

پانزده خرداد برای اسلام بود و به اسم اسلام بود و به مبدئیت اسلام و راهنمایی روحانیت بود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۸۳).

بر مبنای کلام امام علیه السلام پانزده خرداد را نهاد دین و به تبع آن، نهاد روحانیت به وجود آورد. وی، بارها و بارها در مقاطع مختلف پانزده خرداد را «یوم الله» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۴۶۶) و «روز حماسه» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۰۴) معرفی نموده، روز پانزده خرداد را تولد دوباره‌ای برای ملت مسلمان ایران یاد کرده و می‌گوید:

روز پانزده خرداد در عین حال که چون عاشورا روز عزای عمومی ملت مظلوم است، روز حماسه و تولد جدید اسلام و مسلمانان است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴، ص ۴۰۴).

همچنین در سخنانی درباره هویت و الگوی انقلاب اسلامی این چنین اظهار می‌دارد: رمز پیروزی اسلام بر کفر جهانی را در این قرن که پانزدهم خرداد ۴۲ سرآغاز آن بود، باید در دوازدهم محرم حسینی جست‌وجو کند که انقلاب اسلامی ایران، پرتویی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷، ص ۴۸۲).

ملت ایران با الهام از عاشورا قیام کوبنده خود را به بار آورد اگر عاشورا و گرمی و شور انفجاری آن نبود، معلوم نبود چنین قیامی بدون سابقه و سازماندهی واقع می‌شد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۶، ص ۲۹۰).

مجالس بزرگداشت سیدالشهدا و عاشورا مجالس غلبه سپاه عقل بر جهل و عدل بر ظلم است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، صص ۷۷ و ۷۵ و ۷۶ و ۱۴۲ و ۱۴۶ و ۱۵۳ و ۱۶۳ و ۱۶۲ و ۲۰۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، صص ۹ و ۱۹ و ۱۳۸ و ۲۰۰ و ۲۱۵ و ۳۳۴). همچنین در بال سبز انتظار نیز معنایی را جست‌وجو کرد که نه تنها موجب خمودی و بدبختی نگردید، بلکه در حیات سیاسی مردمانش عامل حرکت و نقش‌آفرین شد. این قرائت و خوانش از بال سبز و انتظار، خوانش جریان‌هایی همچون انجمن حجّیه از انتظار را که موجب ظلم‌پذیری می‌شد



کنار زد و «عدمه منا» را طوری معنا و تفسیر کرد که موجب حضور جدی مردم در انقلاب شد. نتیجه این که روحانیت در جامعه جنبشی؛ از بال سبز و بال قرمز به خوبی بهره برد و توانست آن جامعه را به استقرار برساند و جمهوری اسلامی ایران را ایجاد کند. به تعبیر رهبر معظم انقلاب:

ما توانسته‌ایم در راه اسلام و در جهت اسلام حرکت کنیم، قوانین اسلام را در جامعه به وجود آوریم و آن‌ها را در حدّ و وسع و توان خودمان در زندگی پیاده کنیم. ما توانسته‌ایم ارزش‌های اسلامی را به‌عنوان ارزش‌های برتر در جمهوری اسلامی معرفی کنیم. ما توانسته‌ایم کلام خدا را در بین مردم، رایج، و دل‌ها را به سمت خدا متوجه کنیم (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۹/۰۷).

برای یافتن پاسخ، دوباره سؤال را تکرار می‌کنیم که: خواسته‌ها و مطالبات مردم در یک جامعه منتظر (البته جامعه منتظر بعد از انقلاب) از روحانیت که قاعده آن جامعه هستند چیست و آیا روحانیت توانسته است به آن مطالبات پاسخ مثبت دهد؟ جامعه منتظر مورد نظر، جامعه‌ای سیستمی و سازمان‌یافته (یعنی دارای حکومت، حاکمیت، مردم و سرزمینی معین) است که در رأس آن نیز یک فرد اسلام‌شناس با درایت و صاحب تدبیر قرار گرفته استغ بنابرین مردم مسلمان و متدین و کسانی که خود را منتظران امام زمان علیه السلام می‌دانند مطالباتی دارند که برخی از آن مطالبات در چنین جامعه‌ای عبارتند از:

۱. دستیابی به معنویت و تکامل روحی و تعالی اخلاقی؛
۲. رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم
۳. به کسی ظلم نشود و هیچ کس هم محروم نماند (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷)؛
۴. توجه به نیازهای مادی و معنوی مردم و رشد آن‌ها به صورت همزمان؛
۵. تأمین نظم، امنیت، رفاه عمومی، عدالت
۶. اسلام حکومت کند یعنی بازارش اسلامی باشد و زارتخانه‌هایش اسلامی باشد (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۹، ص ۸۲).

پس از این مقدمه کوتاه می‌توان گفت جامعه منتظر موجود جامعه‌ای است که هم

مطالبات سلی دارد و هم مطالبات ایجابی. در این مقاله درصدد هستیم نشان دهیم در جامعه منتظران دوران جمهوری اسلامی ایران، روحانیت چه نقشی را ایفا کرده و در کدام یک از موقعیت‌های چهارگانه سواتی قرار گرفته است. آیا در نقش خود موفق بوده است و به عبارتی آیا روحانیت در موقعیت و استراتژی SO قرار دارد (که در این استراتژی، روحانیت می‌کوشد از فرصت‌های خارجی بهره‌برداری کند) یا در استراتژی ST (یعنی Strengths+ Threats) که در این راهبرد روحانیت تلاش می‌کند با نقاط قوتش به فرصت‌های مهمی دست یابد، یا در موقعیت WO (محافظه‌کارانه) است که در این راهبرد یا استراتژی روحانیت باید بکوشد با بهره‌برداری از فرصت‌های موجود در محیط خارج، نقاط ضعف داخلی خود را بهبود ببخشد، یا در موقعیت و استراتژی WT (تدافعی) است که در این استراتژی هدف، کاستن نقاط ضعف داخلی و پرهیز از تهدیدات ناشی از محیط خارجی است؟

نقاط قوت و برتری روحانیت را باید ناشی از برتری در منابع و مهارت آنان جست؛ چون آنچه موجب مزیت نسبی این نهاد اجتماعی نسبت به نهاد اجتماعی دیگر می‌شود منابع آن و مهارت روحانیان در بهره‌گیری از منابع برای مدیریت جامعه است. بر همین اساس، نقاط ضعف آنان را نیز باید ناشی از یک سری محدودیت یا کمبود در منابع و مهارت‌های آنان دانست. بنابراین می‌توان مدعی شد که اثربخشی این نهاد اجتماعی بانفوذ در ایران، متوقف بر نحوه به‌کارگیری منابع و مهارت است؛ برای نمونه، بهره‌گیری سیره عملی ائمه علیهم‌السلام که یکی از منابع ما شیعیان است را می‌توان در سخنان و کشگری امام خمینی ره چه در دوران نهضت و چه در دوران استقرار جمهوری اسلامی مشاهده کرد. بنابراین روحانیت باید در هر یک از راهبردهای چهارگانه سواتی هوشیار باشد که موقعیتش بدبود بیشتر پیدا نکند در عوض برای بهبود هر چه بیشتر نقش آفرینی خود باید کوشش و جد و جهد کند.

در ادامه مقاله برای ترسیم و اعلام موقعیت و استراتژی روحانیت جامعه منتظر به هر یک از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در قالب گزاره‌هایی اشاره می‌کنیم.

## اول. عوامل خارجی؛ فرصت‌ها و تهدیدها

عوامل خارجی یعنی عواملی که خارج از سازمان روحانیت هستند؛ ولی بر فعالیت‌های سازمان روحانیت در تحقق و ایجاد، استمرار، حفظ و تقویت جامعه منتظر تأثیر دارند؛ اعم از فرصت‌هایی که می‌تواند به نهاد روحانیت سود برساند یا تهدیداتی که باید روحانیت از آن‌ها اجتناب کند. بر این اساس، عوامل خارجی دو دسته‌اند:

اول. فرصت‌ها: یعنی دست‌یابی به راه‌حلی معقول برای حفظ و تأمین منافع و ارزش‌های اساسی یا مجموعه‌ای از شرایط و امکانات لازم برای تعمیق، ترویج و جامعه‌پذیری در گستره فعلیتی؛

دوم. تهدیدها: تهدید = عدم مهارت کارگزار در تعامل + عدم شناخت فرصت‌ها و

محدودیت‌ها

به عبارت دیگر، تهدید یعنی هر موقعیت و شرایطی که يك هويت فردی یا جمعی را مستعد خسارت، تخریب و شکست نماید (تاجیک، ۱۳۸۴، صص ۹۱-۹۳). البته نویسنده مقاله با عنایت به این که فرصت‌ها و تهدیدها یک عامل نسبی می‌باشند در این قسمت، از تهدیدات و فرصت‌هایی بحث کرده که به نظر او اهم فرصت‌ها و تهدیدهای پیش‌روی نهاد روحانیت در جامعه منتظر می‌باشد و آن‌ها عبارتند از:

۱. تقاضای بالا برای پاسخ به پرسش‌ها و کتب منتشره درباره مسائل، موضوعات و شبهات مهدویت، فرصت محسوب می‌شود؛ ولی تعداد اندک تأمین‌کنندگان مطالبات مطالبه‌کنندگان تهدید به شمار می‌رود.

۲. عدم حمایت مالی از مبلغان یکی دیگر از تهدیدها به شمار می‌آید.

۳. حساسیت شدید نظارتی ارگان‌های امنیتی و اطلاعاتی برای جلوگیری از ظهور و ترویج فرقه‌های منحرف (به‌عنوان جانشین روحانیت در ترویج معنویت) یک فرصت برای روحانیت در جامعه منتظر محسوب می‌شود.

۴. یکی از تهدیدهای پیش‌روی روحانیت در جامعه منتظر؛ نوسان‌های شدید در اداره امور جامعه است که ناشی از سوء مدیریت برخی از کارگزاران منتسب به نیروهای مذهبی و ارزشی می‌باشد، و از آن مهم‌تر، عدم برخورد و یا عدم اعلام

میزان مواجهه با آنان در جامعه اعم از اعلام نتایج پرونده قضایی آنان یا نتایج دیگر است.

۵. ظهور رقبای بالقوه و بالفعل (اعم از رقبایی در فرق انحرافی و رقبایی در جانشینی) در ترویج دین و معنویت‌گرایی در ساحت‌های تبلیغی. رهبر معظم انقلاب بر این باور است که مقابله فرهنگی روحانیت با منکرات اجتماعی و مبارزه فرهنگی برای پالایش اجتماع لازم می‌باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۸). در ایفای نقش‌ها و کارویژه‌های مرتبط با روحانیت همچون ترویج و گسترش معنویت‌گرایی، پیشرفت سریع فرقه‌های انحرافی و فرق معنویت‌گرای منحرف شرقی و غربی و تعلق روحانیت در مواجهه با آنان در جامعه به تعبیر رهبر معظم انقلاب؛ جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر، نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند... اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آن‌ها را پر خواهد کرد (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

۶. روحانیت در مواجهه با افکار مخالف لازم است که به موارد زیر پردازد:

- موضع بهنگام: دفاع از حریم دیانت باید به موقع و سریع باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۸). - نقد منطقی: باید فکر خطا را در انبوه نقدهای منطقی مدفون کرد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۹۹).
- پیش‌گیری شبهات: کسانی باید باشند تا این شبهه‌ها را برطرف کنند. تامین این افراد به عهده حوزه‌های علمیه است. البته کسانی که در غیر حوزه‌ها هستند، ممکن است بتوانند این کار را انجام دهند؛ اما متصدی اصلی انصافاً حوزه‌های علمیه و علمای دینند. این‌ها اولین کسانی هستند که باید شبهه‌ها را برطرف کنند. حوزه علاوه بر شبهات فعلی باید شبهات آینده را بشناسد و برای آن برنامه‌ریزی کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۳۰۰).

۷. حساسیت جامعه در مقابله با مفسدان اقتصادی، در مقابل فرسایشی شدن پرونده آن‌ها در قوه قضائیه به هر دلیلی و متوقف شدن نقش روحانیت در این قضایا در حد نصحیت‌گر و موعظه‌گری، نه به عنوان عامل تصمیم‌گیر در حل این قضایا.
۸. وجود مشکلات اشتغال، مسکن، مسایل معیشتی و... در جامعه اسلامی و عدم حل آن می‌تواند برای ساخت قدرتی که قاعده‌اش روحانیت است، نوعی تهدید محسوب شود؛ زیرا روحانیت در دسترس قرار گرفته و باورهای دینی را با زندگی روزمره عجین ساخته است و حضورش برای این است که نیازهای جامعه را نه فقط در ساحت آخرتی بلکه تلفیقی از ساحت دنیایی و آخرتی برآورده کند.
۹. دانش و تخصص بالای روحانیت درباره مهدویت نیز پرسش‌ها و مسایل مردم در رابطه با مباحث حوزه مطالعاتی مهدویت، فرصت محسوب می‌شوند.
۱۰. برخورداری از نظام ولایی و اسلامی، فرصتی برای روحانیت در همه ابعاد، چه در بعد آموزش دین و چه در ابعاد تبیین و تفسیر، تعلیم و تربیت، تبلیغ، دعوت و دفاع از دین، فراهم کرده است.
۱۱. اجرای احکام و قوانین اسلامی: اجرای احکام و قوانین اسلامی، یعنی همه قوانین و مقررات مملکتی، ادارات دولتی و نهادهای اجرایی از لحاظ محتوا اسلامی باشد، نه در حرف و تابلو، بلکه در عمل. روحانیت با نقشی که در جمهوری اسلامی پیدا کرده، وظایفش در اجرای احکام اسلامی سنگین‌تر شده است. یکی از وظایف آن، عمل به احکام اسلامی است. عمل به احکام اسلامی مراتبی دارد که مرحله اول، فهم و ترویج احکام، و سپس عمل به آن حکم است. پس لازم است روحانیت با ایفای نقشش در ترویج فرهنگ اسلامی مردم را به نقطه‌ای برساند که عامل به احکام اسلامی باشند. رهبر معظم انقلاب درباره عمل به احکام اسلامی و تلاش برای حاکمیت قرآن نکاتی را متذکر شده و فرموده است:
- این امتحان همان تلاش برای حاکمیت اسلام است. برای حاکمیت اسلام باید کوشش کنید (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).

■ بعد از آن که دولت اسلامی تشکیل شد، مسئولیت و تعهد این دولت اسلامی این است که جامعه اسلامی را تحقق ببخشد. جامعه اسلامی یعنی چه؟ یعنی جامعه‌ای که در آن، آرمان‌های اسلامی، اهداف اسلامی، آرزوهای بزرگی که اسلام برای بشر ترسیم کرده است، تحقق یابد. جامعه عادل، برخوردار از عدالت، جامعه آزاد، جامعه‌ای که مردم در آن، در اداره کشور، در آینده خود، در پیشرفت خود دارای نقشند، دارای تأثیرند، جامعه‌ای دارای عزت ملی و استغنا ملی، جامعه‌ای برخوردار از رفاه و مبرای از فقر و گرسنگی، جامعه‌ای دارای پیشرفت‌های همه‌جانبه؛ پیشرفت علمی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت سیاسی، و بالاخره جامعه‌ای بدون سکون، بدون رکود، بدون توقف و در حال پیشروی دائم. این آن جامعه‌ای است که ما دنبالش هستیم (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴).

■ رفاه اقتصادی: ما معتقدیم جامعه‌ی پس از ظهور امام زمان علیه السلام جامعه‌ای است که در آن، غنا و بی‌نیازی آنچنانی است که افراد برای پرداخت زکات اموال خود، شهر به شهر می‌گردند، اما شخص مستحق و نیازمندی را پیدا نمی‌کنند. سؤال این است که در جامعه منتظر، وضعیت رفاه اقتصادی چگونه باید باشد؟ آیا باید با جامعه منتظر، همسو باشد؟ چگونه؟ این محور می‌تواند مشتمل بر مسکن، اشتغال، ازدواج و ... باشد. دولت اسلامی به نیازهای مادی و معنوی مردم و رشد آن‌ها به صورت همزمان توجه دارد و در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود هر دو جنبه نیازهای مادی و معنوی مردم را مد نظر قرار می‌دهد. تفاوت اصلی دولت اسلامی با غیر اسلامی در این ویژگی اصلی است. اگر چنین رویکردی در دولت اسلامی رخ دهد، بستر ساز جریان اندیشه دینی و اخلاق فاضله در کشور خواهد بود که هم کارآمدی سیاسی و هم کارآمدی فرهنگی برای دولت محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۴/۰۹).

■ استقرار عدالت: آیا در این جامعه، ساختارهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و

اجتماعی، پاسخ‌گوی تأمین عدالت هستند؟ یعنی آیا سوء مدیریت، اختلافات کارشناسانه و... به این جامعه اجازه می‌دهد به‌سوی عدالت یا عدالت‌فراگیر گام بردارد؟ یا مردم به‌واسطه تربیت صحیح و با تغییر درونی به چنین وضعیتی خواهند رسید؟ در آن صورت می‌توان پرسید نقش روحانیت در تحقق چنین ویژگی‌ای چه خواهد بود؟ همه پیامبران به دنبال اجرای عدالت بودند. حضرت مهدی علیه السلام میراث‌بر همه پیامبران الهی است که گام آخر را در ایجاد عدالت جامعه الهی برمی‌دارد. پیامبران برای قسط و عدل در جامعه بشری آمده‌اند و روحانیت که خود را وارث انبیا می‌داند، باید تلاش کند چنین جامعه‌ای شکل بگیرد.

- حق‌طلبی و ظلم‌ستیزی: در این جامعه باید تلاش شود که هیچ‌گونه ستمی، اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی در آن نباشد. به تعبیر رهبر انقلاب:
- این نظام و این دولت باید بتواند یک الگو درست کند، تا فعل او، قول او را تأیید کند. باید بتواند در این کشور اسلام را تحقق ببخشد، تا نهضت اسلامی، صادق شناخته شود. باید شعارها را به واقعیت بدل کند، تا آن شعارها، دل شعاردهندگان سایر کشورها را گرم کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۲/۰۱).
- مبارزه با فساد: در دعای امام زمان علیه السلام می‌خوانیم که اگر جامعه منتظر می‌خواهیم، باید از معصیت و نافرمانی اجتناب کنیم: «اللهم ارزقنا توفیق الطاعة وبعد المعصية وصدق النيه...» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۴۹) و جامعه منتظر باید تلاش کند تا در حد امکان، زمینه‌های انحراف فکری و دینی را از بین ببرد و در مقابل عاملان اصلی تحریف‌ها و برداشت‌های نادرست روحانیان دنیادوست و وابسته به تبیین و تشریح آموزه‌های اصیل دینی بپردازد.

#### دوم. عوامل داخلی؛ نقاط ضعف وقوت

عوامل درونی یعنی عواملی که در اختیار نهاد روحانیت و جزء عوامل داخلی می‌باشند عواملی که روحانیت بر آنها تأثیر دارد همچنین آنها بر روحانیت تأثیر

می‌گذارند. هدف از بررسی محیط درونی، تهیه فهرستی از نقاط ضعف و قوت است که نهاد روحانیت برای به دست آوردن شرایط بهتر، باید از آن‌ها بهره‌برداری کند یا نقاط ضعفی که برای جلوگیری از ضرر، باید از آن‌ها اجتناب نماید. در این قسمت عوامل داخلی مهم و حیاتی در موفقیت سازمان روحانیت را دنبال می‌کنیم که عبارتند از:

۱. اقامه دین: یکی از اساسی‌ترین عوامل قوت روحانیت برای حضور در اجتماع، به منظور اقامه دین در همه سطوحش، حقانیت و منطق فطری اسلام است. به عبارتی دیگر، عامل قوت و قدرت را باید در منبعیت آن دانست؛ زیرا روحانیت با اسلام معنا می‌یابد. در این باره رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

روحانیت سرباز دین است، خادم دین است، از خود منهای دین حیثیتی ندارد. اگر روحانیت از مسائل اساسی - که نمونه برجسته آن، انقلاب عظیم اسلامی است - کناره می‌گرفت و در مقابل آن بی‌تفاوت می‌ماند، بدون تردید دین آسیب می‌دید؛ و روحانیت هدفش حفظ دین است و تبلیغ دین جزء شئون اصلی حوزه است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۳).

۲. البته روحانیت در امر تبلیغ دین و موفقیت در آن، باید مواظبت زیادی داشته باشند و تبلیغ نباید از وجهه اخلاص خالی شده و تبدیل به یک وظیفه اداری گردد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۰۸).

۳. توان نوآوری و ارائه محصولات سازمان‌ها: تشکیلات و نهادهای مرتبط با مهدویت به تربیت نیروهای متخصص در مباحث مهدویت پرداخته که این می‌تواند مزیتی برای سازمان روحانیت برای انجام کارویژه و نقش‌آفرینی آن‌ها محسوب شود.

۴. تبیین درست از دوران غیبت یا تبیین صحیح از انتظار: یکی از وظایف روحانیت در جامعه حاضر که می‌خواهد به سوی جامعه منتظر گام بردارد، تبیین دوران غیبت و بحث از انتظار است. اما سؤال این است که انتظار و فهم درست از انتظار چیست؟ بعضی‌ها انتظار فرج را به این می‌دانند که در مسجد، حسینیه، منزل، بنشینند و دعا کنند و فرج امام زمان علیه السلام را از خدا بخواهند و ما کاری نداشته



باشیم به این که در جهان چه می‌گذرد، بر ملت‌ها چه می‌گذرد... ما تکلیف خودمان را عمل می‌کنیم؛ برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیاید، ان شاء الله درست می‌کنند. دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم (رحیم‌پور، ۱۳۸۱، ص ۳۶۸).

اگر شئون و شخصیت اسلامی و نیز شعایر اسلام و احکام آن، در جامعه کم‌رنگ شود یا مورد اهانت قرار گیرد، به یقین، کسی که از همه بیشتر نگران و آزرده‌خاطر می‌شود، شخص شخیص ولی اعظم خداست؛ از این رو باید در کاستی‌ها و کمبودها بیندیشیم و برای رفع معایب و نواقص کمر همت بیندیم؛ زیرا این همه اسراف و تبذیر، این همه افراط و تفریط و این همه اختلاف طبقاتی و فقر و پریشانی، شایسته جامعه منتظر نیست (صافی گلپایگانی، ۱۳۷۷، صص ۱ و ۱۷). بدین سبب می‌توان گفت که انتظار صحیح دارای مختصات و ویژگی‌هایی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- انتظار همراه با عمل: یکی از مختصات انتظار صحیح، انتظار همراه با عمل می‌باشد؛ چون همه انتظار داریم وجود مبارک بقیه‌الله اعظم را؛ لکن با انتظار تنها نمی‌شود (رحیم‌پور، ۱۳۸۱، ص ۳۶۷). بلکه باید همراه با انتظار، گام‌هایی هم در این جهت برداشت.
- مبارزه با معصیت، گناه و ظلم: یکی دیگر از ویژگی‌های انتظار صحیح، عدم ترویج معصیت است.
- نگوید بگذار تا امام زمان علیه السلام بیاید. [مگر] شما نماز را هیچ وقت می‌گذارید تا وقتی امام زمان آمد، بخوانید؟ حفظ اسلام واجب‌تر از نماز است. منطق حاکم خمین را نداشته باشید که می‌گفت: «باید معاصی را رواج داد، تا امام زمان بیاید. و اگر معصیت رواج پیدا نکند، حضرت ظهور نمی‌کند (رحیم‌پور، ۱۳۸۱، ص ۳۷۰). انتظار درست و صحیح می‌گوید که اگر نظر شماها مثل نظر بعضی عامی‌های منحرف، آن است که برای ظهور آن بزرگوار باید کوشش در تحقق کفر و ظلم کرد تا عالم را ظلم فرا گیرد و مقدمات ظهور فراهم شود،

فانا لله و انا اليه راجعون. اصلاً حضرت صاحب تشریف می آورند برای چی؟ برای این که گسترش بدهند عدالت را،... برای این که فساد را از بین ببرند (رحیم پور، ۱۳۸۱، ص ۳۷۱).

▪ تلاش برای مهیا کردن زمینه عدالت جهانی: می توان این مورد را سومین مختصه انتظار صحیح دانست که امام خمینی درباره آن می گوید:

قرآن و ضرورت اسلام و قرآن، تکلیف کرده است ما را که باید برویم همه کار را بکنیم؛ اما نمی توانیم بکنیم. چون نمی توانیم بکنیم، باید او بیاید تا بکند؟ اما باید ما فراهم کنیم کار را. فراهم کردن اسباب، این است که کار را نزدیک بکنیم، کار را همچو بکنیم که مهیا شود عالم برای آمدن حضرت سلام الله علیه، برای رفع ظلم و آمادگی دولت کریمه، چه گام هایی و در چه وسعتی می توانیم برداریم؟ امام خمینی پاسخ این پرسش را در ایجاد حکومت در عصر غیبت می داند و براین اساس می فرماید:

لزوم حکومت به منظور بسط عدالت و تعلیم و تربیت و حفظ نظام جامعه و رفع ظلم و حراست مرزهای کشور و جلوگیری از تجاوز بیگانگان، از بدیهی ترین امور است؛ بی آن که بین زمان حضور و غیبت امام، و این کشور و آن کشور، فرقی باشد (رحیم پور، ۱۳۸۱، ص ۳۷). پس وجود حاکمی که برپادارنده و نگهدارنده نظم و قانون اسلام باشد، ضرورت دارد؛ از این رو، بنا به ضرورت شرع و عقل، آنچه در دوره حیات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و زمان امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام لازم بوده است؛ یعنی حکومت و دستگاه اجرا و اداره، پس از ایشان نیز در زمان ما لازم است. مخلص کلام این که، انتظار صحیح به ما می گوید باید انتظار را مساوی با امید بدانیم؛ چرا که انتظار مساوی با امید؛ جامعه را به حرکت می آورد و تقابل پیدا می کند با تفکراتی که انتظار را با جمود و بی تحرکی در زندگی اجتماعی معنا می کنند؛ پس جامعه ای که خواهان جامعه منتظر است و می خواهد به سوی آن گام بردارد و آن را متحقق سازد، لوازمی را لازم دارد که یکی از آنها، اعتقاد به انتظاری مثبت، یعنی انتظاری است که نمی گذارد مردم تسلیم ظلم شوند.

۵. یکی از نقاط قوت، میزان پرسش‌ها و مراجعاتی است که مراکز آموزشی و

پژوهشی مهدویت برای رفع مسایل اعتقادی و عملی با آن‌ها مواجهه دارد.

۶. حامل بدون عامل: اگر روحانیت حامل پیام‌های دین باشد؛ ولی به عامل بودن

توجه نداشته باشد، یکی از نقاط ضعف آن محسوب می‌شود؛ چراکه شخصیت

مبلغ، مورد محک دقیق مخاطبان است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۱۲).

در مورد این که آیا روحانیت وظیفه‌ای در تربیت معنوی جامعه دارد، دیدگاه رهبر

معظم انقلاب این است که نه تنها وظیفه دارد، بلکه حوزه باید ارتقای سطح معنوی

جامعه و تربیت معنوی آن را وظیفه خود بداند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۸۶). علاوه بر آن،

روحانی اگر می‌خواهد در علت فاعلی موفق باشد و در نقش آفرینی جامعه منتظر نقشی

مطلوب بیافریند، باید در زی طلبگی و زهد و پارسایی دقت بسیار زیادتر از دوران

قبل از انقلاب داشته باشد؛ چراکه اعتبار و اعتماد تاریخی روحانیت به سبب بی‌اعتنایی

به دنیا و به تعبیر رهبر معظم انقلاب به سبب پارسایی سیره سلف صالح بوده است

(خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۰۳). بنابراین تکلیف روحانیت در زهد و ساده‌زیستی نسبت به

قبل از انقلاب، مضاعف خواهد بود؛ چون تعلقات مادی در این عصر که روحانیت

در مصدر قدرت است این توهم را پدید می‌آورد که زهد دیروز، ناشی از نداشتن

موقعیت بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ص ۲۰۴). نتیجه این که نقش عاملیت موفق روحانیت در جامعه

منتظر و تاثیر گذاری روحانی در میان مردم، وابسته به زهد روحانیت خواهد بود (خامنه‌ای،

۱۳۷۵، ص ۲۰۵).

۱. فقدان سیستم آموزشی اثر بخش: آیا خروجی آموزش مؤسسات آینده‌پژوهی

اثر بخش بوده است و آیا اصولاً چنین فکری پشت این آموزش به‌طور خاص و

در سیستم آموزشی حوزه‌های علمیه به‌طور عام که به آموزش روحانیت

می‌پردازد هست؟ پاسخ اجمالی این است که نهاد روحانیت دچار مدیریت

نابسامان در تصمیم‌گیری است. حوزه‌های علمیه در این که از نیروهایی که

پرورش داده‌اند دقیقاً می‌خواهند چه استفاده‌ای ببرند، فکر منسجمی ندارند؛ یعنی

حوزه علمیه، ساحت تبلیغ دین را مدیریت نمی‌کند؛ بلکه فقط نیروها را آموزش

می‌دهد و دیگران هستند که از آنان استفاده می‌کنند (امینی، ۱۳۸۵، ص ۲۵). بنابراین می‌توان گفت فقدان مدیریت جامع و بروز و کارآمد در سیستم آموزشی و پژوهشی و اجرایی حوزه‌های علمیه می‌تواند تهدیدی برای حوزویان در امر تحقق جامعه منتظر قلمداد شود.

۲. نارسایی در تبلیغات: نارسایی در تبلیغات نیز می‌تواند یک نقطه ضعف برای سازمان روحانیت باشد. امکان تبلیغ در مجالس و عطر در ویات و در تولدها در سطوح مختلف می‌تواند یک فرصت تبلیغی برای روحانیت در گسترش فرهنگ مهدویت باشد؛ ولی اگر امر تبلیغ مدیریت و راهبری نشود با نارسای‌هایی همراه خواهد بود که نقاط ضعف این سازمان محسوب خواهد شد؛ چراکه درباره اهمیت و تعریف تبلیغ گفته‌اند:

تبلیغ از ابلاغ است و ابلاغ، رساندن یک فکر یا یک پیام است؛ یعنی در مورد رسانیدن چیزی به فکر و روح و ضمیر و قلب کسی، به کار می‌رود؛ لذا محتوای ابلاغ نمی‌تواند یک امر مادی و جسمانی باشد. حتماً یک امر معنوی و روحی است؛ یک فکر و یک احساس است. تبلیغ، خوب شناساندن و خوب رساندن است (مطهری، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۸۹).

امام خمینی علیه السلام نیز تبلیغ را از اصول اسلام شمرده، درباره آن می‌فرماید:

تبلیغات که همان شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن با ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن است، از اصول بسیار مهم اسلام عزیز است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱، ص ۳۳۹).

در اغلب جنبش‌های توده‌ای ایران، علما در برانگیختن توده‌های مسلمان نقشی کلیدی داشته‌اند. آنان معمولاً قهرمانان عدالت و مدافع فقرا بوده‌اند و مردم، آنان را به منزله افرادی به شمار می‌آورده‌اند که در موقع لزوم می‌توانستند هم در برابر قدرت داخلی و هم در برابر نیروهای خارجی ایستادگی کنند (کدی، ۱۳۷۸، صص ۱۲۵-۱۲۶). این مهم اتفاق نمی‌افتاد، مگر به برکت تبلیغ از اسلام. با عنایت به اهمیت و جایگاه تبلیغ و اطلاع دقیق از فرهنگ جهانی، حوزه باید با افکار و فرهنگ جهانی برخورد فعال کند و گزینش‌گری واقع‌بین باشد که خوبی‌ها را اخذ نماید و در مقابل نکات منفی برخورد

مناسب کند، از خطرات فرهنگی مطلع باشد و آمادگی لازم را در جامعه برای مقابله ایجاد کند (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۸). اگر چنین نکرد، به ضعف دچار شده یا خواهد شد؛ زیرا جامعه مخاطب ما تحت تهاجم فرهنگی قرار دارد و با سستی در محتوای تبلیغ به سرعت جذب مهاجمان خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۵).

### نتیجه‌گیری

نکته کلیدی این مقاله، این بود که جامعه منتظر با ویژگی‌هایی شناخته می‌شود که همه گروه‌های روحانیت، آن را قبول دارند؛ چه روحانیت سنتی که در جامعه سنتی زندگی می‌کند و چه روحانیت مدرن گرا که در دنیای مدرن زندگی می‌کند و چه روحانیتی که لوای حاکمان جور زندگی می‌کند و چه روحانیتی که در سایه حکومت اسلامی به سر می‌برد؛ پس تفاوتی در ویژگی‌های جامعه منتظر پدید نمی‌آید و اختلاف نظری در آن نیست و جامعه منتظر جامعه منتظر خواهد بود، آن‌هم با ویژگی‌هایی همچون جامعه‌ای پر از عدل و داد، جامعه‌ای پر از نعمت و به‌دور از کمبود، جامعه‌ای سرشار از امنیت و جامعه‌ای که پرداخت‌کننده زکات باید زحمت سفر را متحمل شود تا مستحق پیدا کند. اما بحث این است که روحانیت در جایگاه علت فاعلی در جامعه منتظر، چه نقشی و موقعیتی را می‌تواند بیافریند؟ و آیا نقش آفرینی وی در جامعه‌ای که به دوران نهضت تعلق دارد با جامعه‌ای که در آن، حکومت اسلامی شکل گرفته است متفاوت خواهد بود؟

نویسنده مقاله با باور به این که نقش و موقعیت روحانیت به‌عنوان علت فاعلی جامعه، آن‌هم در جامعه‌ای که دارای حکومت اسلامی است در تعلیم، تبلیغ، و ترویج جامعه منتظر با نقشش در جامعه ماقبل خود متفاوت می‌باشد گفته است که روحانیان در این دوران به دلیل کمبودها، نارسایی‌ها، ناسازگاری‌ها و حتی ناتوانی‌هایی که در درون نهاد خود دارند همچنین با تهدیدها و فرصت‌هایی که از بیرون برایشان ایجاد شده است، از میان چهار راهبرد تدافعی، رقابتی، محافظه‌کارانه و تهاجمی فقط توانسته‌اند در همان استراتژی تدافعی باقی بمانند. آنان به سوی استراتژی‌های سه‌گانه دیگر یا حرکت نکرده

یا اگر هم حرکتی کرده‌اند، گامی ناقص بوده است؛ از این رو گفته شد این موقعیت و استراتژی برای نقش‌آفرینی روحانیت در جامعه منتظر، استراتژی مرجح و مورد نظر نیست. نیز استراتژی‌ای نیست که راضی‌کننده روحانیت مدعی راهبری انسان در مقیاس جهانی باشد یا حداقل روحانیتی که مدعی تلاش برای زمینه‌سازی قیام مهدی موعود و تحقق جامعه منتظر است؛ چرا که اصولاً استراتژی‌ای در این حد برای خود تعریف نکرده است. حال این عدم تعریف استراتژی به دلیل موانع بوده یا کمبود امکانات و یا هر چیز دیگر، خود می‌تواند در تحقیق مستقلی دنبال شود. کلام آخر این که اگر روحانیت می‌خواهد در تحقق جامعه منتظر مطلوب، موفق باشد، لازم و ضروری است که راهبرد خود را متناسب با مختصات محیط و هدفش مشخص کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## فهرست منابع

۱. امینی، علیرضا. (۱۳۸۵). ظرفیت‌ها و ظرافت‌های رشد علمی طلاب جوان، خشت اول، (۱)، صص ۶-۱۷.
۲. ایمانی جاجرمی، حسین. (۱۳۸۶)، مروری بر نظریه نقش در جامعه‌شناسی. رشد آموزش علوم اجتماعی، (۳۴)، صص ۲۸-۳۱.
۳. بلخاری، حسن. (۱۳۷۸). تهاجم یا تفاوت فرهنگی. تهران: نشر حسن اقرار.
۴. تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۴). مدیریت بحران. بی‌جا: بی‌نا.
۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. قم: اسماعیلیان.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۰/۱۲/۰۱). در دیدار با جمعی از روحانیون. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/143148>
۷. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۵). حوزه و روحانیت در آئینه رهنمودهای مقام معظم رهبری (ج ۱ و ۲). تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۷۶/۰۹/۰۷). در دیدار با کارگزاران نظام. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/555086>
۹. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۰/۰۶/۰۵). در دیدار با رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/270178>
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۴/۰۲/۱۷). در دیدار با مردم شهرستان جیرفت. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/833884>
۱۱. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۶/۰۴/۰۹). در دیدار با اعضای هیئت دولت و مدیران اجرایی کشور. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/149014>
۱۲. خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۹/۰۷/۲۹). در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم. برگرفته از: پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای <https://b2n.ir/984118>